

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۸۹ - ۱۲۴

بررسی فرایندهای تضعیف در گویش سیستانی بر اساس واج‌شناسی خودواحد

عباسعلی آهنگر^{۱*}، منصوره دلارامی^۲

۱. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران
۲. دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

در واج‌شناسی خودواحد، گلداسمیت (۱۹۷۶) بازنمایی واجی را از حالت خطی به صورت غیرخطی در زبان‌های نواختی بسط داد. به دلیل غیرخطی بودن و وجود ساختار لایه‌ای در این دیدگاه، پژوهش حاضر با استفاده از دو فرایند اصلی گسترش و قطع مطرح‌شده در واج‌شناسی خودواحد به بررسی فرایندهای تضعیف در گویش سیستانی می‌پردازد. روش مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. به این منظور، ۲۰ گویشور مرد، مسن، کم‌سواد و روستایی به صورت تصادفی انتخاب شدند و داده‌های زبانی با استفاده از ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با آن‌ها جمع‌آوری شد. سپس، داده‌های مورد نظر از جمله‌های ضبط‌شده استخراج و آوانگاری شدند. قواعد واجی به کار رفته در پیکره زبانی براساس واج‌شناسی خودواحد توصیف و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اعمال فرایند گسترش در گویش سیستانی به صورت فرایندهای کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی و ملازی‌شدگی همخوان‌های خیشومی، همگون‌سازی جایگاه تولید و سایشی‌شدگی همخوان‌های انسدادی رخ می‌دهد. همچنین، فرایند گسترش در واژه‌ها نیز به صورت خیشومی‌شدگی واژه‌ها رخ می‌دهد. علاوه بر این، فرایند قطع واج‌های آغازین /h/ و /ʔ/ در واژه‌های قرضی، واج‌های پایانی /n/، /t/، /d/، /h/ و /ʔ/ حذف واج‌های /h/ و /ʔ/ میانی در واژه‌های قرضی و حذف مشخصه واکداری از واج واکدار پایانی پیشین رخ می‌دهد.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۵ آذرماه ۹۹
پذیرش: ۸ اسفندماه ۹۹

واژه‌های کلیدی:

واج‌شناسی خودواحد
فرایندهای تضعیف
گسترش
قطع
گویش سیستانی

۱. مقدمه

تفاوت گونه‌های زبانی غیرمعیار زبان فارسی با فارسی معیار، در ساده‌سازی‌های بسیاری است که در نظام‌های آوایی گونه‌های غیرمعیار مشاهده می‌شود. در گونه‌های غیرمعیار تغییرات واجی بیش‌تری رخ می‌دهند. در حالی که گونه معیار نسبت به گونه‌های غیرمعیار به دلایل غیرزبانی و اجتماعی‌اش کم‌تر مشمول این ساده‌سازی‌ها می‌شود. در بسیاری از گونه‌های غیرمعیار فرایندهای ناهمگونی^۱، همگونی^۲، حذف^۳، درج^۴، قلب^۵ و غیره، بسیار وسیع عمل می‌کنند و تأثیرشان حذف تعدادی از ویژگی‌های تلفظی در بازنمایی آوایی است. در واقع، به دلیل این‌که بیش‌تر ارتباط به صورت شفاهی رخ می‌دهد، متکلمان سعی بر آن دارند که در مصرف انرژی و زمان صرفه‌جویی کنند (پرمون، ۱۳۸۸).

در این ارتباط، یکی از انواع ساده‌سازی در زبان‌ها فرایند تضعیف^۶ است. تضعیف در فرهنگ کریستال^۷ (۲۰۰۸: ۱۴۳) به فرایندی گفته می‌شود که آواها با نیروی تنفسی و قدرت ماهیچه‌ای کم‌تری تولید می‌شوند. به عبارت دیگر، در این فرایند نیروی ماهیچه‌ای و جریان هوا ضعیف‌تر می‌شود؛ مانند تبدیل آوای بی‌واک به واکدار. این فرایند چه به لحاظ تاریخی و چه هم‌زمانی در تغییرات آوایی مشاهده می‌شود. کنستویچ^۸ (۱۹۹۴: ۳۵) تضعیف را تغییر جهت همخوان‌ها از انسدادی^۹ به سایشی^{۱۰} و از سایشی به ناسوده^{۱۱} تعریف می‌کند و به اعتقاد لس^{۱۲} (۱۹۸۸: ۱۷)، هرگونه فرایند و تبدیل آوا در جهت چپ به راست ترتیب (۱) را تضعیف می‌گویند.

¹ dissimilation

² assimilation

³ omission

⁴ insertion

⁵ metathesis

⁶ Weakening/Lenition

⁷ J. Crystal

⁸ M. Kenstowicz

⁹ Stop

¹⁰ Fricative

¹¹ Approximate

¹² R. Lass

صفر → نیم‌واک^۱ → سایشی → انسدادی

واکدار → بی‌واک

کول^۲ (۲۰۰۷: ۱۶۰) نیز قواعد تضعیف را به این ترتیب نام برده است: التقای واکه‌ها^۳، تبدیل همخوان انسدادی - سایشی به ناسوده، تشدیدزدایی^۴، حذف^۵ واحد واجی، زنشی‌شدگی^۶، سایشی‌شدگی، کامی‌شدگی^۷، کاهش خوشه یا ساده‌سازی^۸، کوتاه‌شدگی^۹، کشش جبرانی^{۱۰}، مرکزی‌شدگی^{۱۱}، نرم‌کامی‌شدگی^{۱۲}، واکه‌ای‌شدگی و خیشومی‌شدگی^{۱۳}. در واج‌شناسی خودواحد^{۱۴} نیز کرد. زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵) فرایند تضعیف را کاهش قدرت کلی آوا می‌نامد و این فرایند را در این رویکرد به صورت تبدیل انسدادی به سایشی، سایشی به ناسوده، بی‌واک به واکدار و حذف آواهای ضعیف‌شده مطرح می‌کند.

با توجه به این‌که ساده‌سازی و نمونه‌های زبانی متأثر از انواع فرایندهای تضعیف به طور قابل ملاحظه‌ای در گویش سیستانی به چشم می‌خورد و همچنین به دلیل نبود بررسی‌های کافی در خصوص فرایندهای واجی در گویش سیستانی، به‌ویژه براساس دیدگاه غیرخطی واج‌شناسی خودواحد، توصیف، بررسی و تحلیل فرایندهای واجی تضعیف در این گویش ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش، داده‌های زبانی از طریق ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با ۲۰ گویشور مرد، مسن، کم‌سواد و روستایی بالای ۵۰ سال از ساکنین مناطق مختلف سیستان گردآوری شده است.

¹ Semi vowel

² M. Kul

³ Hiatus

⁴ Degemination

⁵ Deletion

⁶ Flapping

⁷ Palatalized

⁸ Simplification

⁹ Shortening

¹⁰ Compulsory lengthening

¹¹ Centralized

¹² Velarized

¹³ Nasalized

¹⁴ Autosegmental phonology

گویش سیستانی به گروه زبان‌های جنوب غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد (ویندفور^۱، ۱۹۸۹؛ بیرمن و همکاران^۲، ۲۰۰۳: ۲۳۸) که در منطقه سیستان در بخش شمالی استان سیستان و بلوچستان رایج است. علاوه بر این، این گویش در استان‌های فراه و نیمروز کشور افغانستان و شهرستان سرخس در ترکمنستان و همچنین در برخی نواحی ایران از قبیل شهر زاهدان و برخی از مناطق استان مازندران، گلستان و شهرهای مشهد و سرخس از استان خراسان رضوی که در آن‌ها تعداد بسیاری مهاجر سیستانی زندگی می‌کنند، نیز تکلم می‌شود (آهنگر، ۲۰۱۰).

لازم به ذکر است که این گویش ۲۲ همخوان شامل /p, b, t, d, k, g, ʃ, z, s, v, f, (ʔ)^۳/، /y, r, l, n, m, ʃ, č, (h), ɣ, x, ž/، /a: a, e, e: i, i: /، همچنین دارای واکه‌های ساده /a, o, o: u, u:/ و واکه مرکب /ow/ است. جدول (۱) همخوان‌ها و واکه‌های گویش سیستانی را به ترتیب نشان می‌دهد.

جدول (۱)

همخوان‌های گویش سیستانی

جایگاه تولید	دوبلی	لب و دندانی	دندانی- دندانی	دندانی- لثوی	لثوی- کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی بی‌واک	p		t				k		(ʔ)
انسدادی واگذار	b		d				g		
سایشی بی‌واک		f		s	š			x	(h)
سایشی واگذار		v		z	ž			y	
انسدادی-سایشی بی‌واک					č				
انسدادی-سایشی واگذار					ǰ				

^۱ G. Windfuhr

^۲ P. Bearman

^۳ اکاتی، آهنگر و جهانی (Okati, Ahangar & Jahani, 2009) جایگاه واج /ʔ/ و /h/ را در گویش سیستانی در بخش میانکنگی مورد بررسی قرار داده‌اند و استدلال کرده‌اند که واج /ʔ/ و /h/ در این گویش وجود ندارد و گاهی در واژه‌های قرصی زبان فارسی دیده می‌شوند. به همین دلیل، این دو واج در داخل پرانتز قرار گرفته‌اند.

جایگاه تولید	لب و دولبی	دندانی	دندانی- لثوی	لثوی	لثوی- کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	چاکنایی
شیوه تولید									
خیشومی	m			n					
کناری روان				l					
کناری زنشی				r					
نیمه واکه						y			

جدول (۲)

واکه‌های گویش سیستانی

	پیشین	مرکزی	پسین
افراشته	i: i		u: u
میانه	e: e		o: o
افتاده	a a:		a

این پژوهش، ضمن بررسی انواع فرایندهای تضعیف در گویش سیستانی به عنوان یکی از گویش‌های شرقی زبان فارسی درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که عملکرد گسترش و قطع خطوط پیوندی^۱ که منجر به فرایند تضعیف در گویش سیستانی می‌شوند، در قالب چه فرایندهایی تحقق می‌یابند و این فرایندها در این گویش براساس رویکرد واج‌شناسی خودواحد^۲ به چه شکلی بازنمایی می‌شوند؟

^۱ Association lines

^۲ Autosegment

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌های انجام‌شده در زمینه واج‌شناسی گویش سیستانی اغلب به صورت پراکنده و بیش‌تر بر اساس آواشناسی سنتی و تعداد اندکی براساس واج‌شناسی زایشی انجام شده‌اند. برجسته دلفروز (۱۳۷۵) دستگاه واجی گویش سیستانی را در بخش مرکزی توصیف کرده است. آهنگر (۱۳۸۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را بر اساس داده‌های زبانی گردآوری‌شده از گویشوران ساکن روستای سکوه در بخش شیب‌آب سیستان بررسی کرده است. اکاتی (۲۰۰۸) نیز به توصیف و تحلیل واجی گویش سیستانی در بخش میانکنگی براساس واج‌شناسی زایشی پرداخته است. همچنین، اکاتی، آهنگر و جهانی (۲۰۰۹) چگونگی بازنمایی واج‌های /ʔ/ و /h/ را در گویش سیستانی در منطقه میانکنگی سیستان توصیف کرده‌اند. در پژوهشی دیگر، اکاتی و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی زایشی برخی از فرایندهای واجی گویش سیستانی پرداخته‌اند.

خلیفه‌لو و دلارامی‌فر (۱۳۹۴) خوشه‌های دو همخوانی آغازین گویش سیستانی را در بخش مرکزی از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد مورد بررسی قرار داده‌اند. آهنگر، یوسفیان و کدخدا (۱۳۹۵) به توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی- نارویی و میانکنگی سیستانی پرداخته‌اند.

در دیگر گویش‌های زبان فارسی نیز در ارتباط با فرایند تضعیف بررسی‌هایی صورت گرفته‌اند. کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۷۹) برای اولین بار واج‌شناسی خودواحد زبان فارسی را در رساله دکتری خود بررسی کرد. وی (۱۳۸۲) فرایند تضعیف را در زبان فارسی واکاوی کرده است. مهدوی (۱۳۸۹) در گویش اصفهانی و فیروزیان و فاتحیان (۱۳۸۹) در گویش مشهدی به بررسی فرایندهای واجی به صورت خطی و غیرخطی پرداخته‌اند. کردزعفرانلو کامبوزیا، ثباتی و آقاگل‌زاده (۱۳۹۴) فرایند تضعیف را در گونه‌های مختلف کردی ایلامی بررسی کرده‌اند و آرام و حسینی (۱۳۹۵) فرایندهای تضعیف و تقویت^۱ را در ادوار تاریخی، بر مبنای رویکردهای خطی به تصویر کشیده‌اند. میکده (۱۳۹۵) نیز فرایندهای واجی واکه‌ها را در گویش فریمانی براساس واج‌شناسی خودواحد بررسی کرده است.

^۱ Strengthening/ Fortition

۳. چارچوب نظری

واج‌شناسی زایشی با انتشار اثر چامسکی^۱ و هله^۲ (۱۹۶۸) به نام «انگاره آوایی زبان انگلیسی»^۳ معرفی شد. چامسکی و هله (۱۹۶۸: ۱۲) واج‌ها را به صورت توالی خطی از واحدهای واجی و مرزهای آن‌ها، در دو سطح زیرساخت^۴ و روساخت^۵ به صورت خطی معرفی کردند. سطح زیرساخت بازنمایی^۶ زیرین تکواژها را به صورت انتزاعی و سطح روساخت بازنمایی آوایی تکواژها را شامل می‌شود. گلداسمیت^۷ (۱۹۷۶) برای اولین بار شاخه‌ای مستقل به نام واج‌شناسی خودواحد را در واج‌شناسی زایشی مطرح کرد. گلداسمیت بازنمایی واجی^۸ را به صورت شبکه‌ای^۹ از چند لایه و در فضای چندبعدی مطرح کرد که هر بعد آن یک یا چند مشخصه مستقل تولیدی دارد. با توجه به این که انگاره غیرخطی خودواحد منجر به شکل‌گیری انگاره‌ای شد که در آن نواخت و تکیه در قالب لایه‌های جداگانه بررسی شدند، واج‌شناسان جهت حل مسائل جدید در واج‌شناسی به رویکرد غیرخطی روی آوردند. این رویکرد دارای استدلال‌های قوی و قانع‌کننده‌ای برای شناسایی هجا به عنوان یک ساختار سلسله‌مراتبی است (هگبرگ^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ون استندراپ^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ اودن^{۱۲}، ۲۰۱۳؛ هایمن^{۱۳}، ۲۰۱۳).

دو فرایند اصلی که گلداسمیت (۱۹۹۰: ۵) در نظریه غیرخطی به آن‌ها اشاره کرده است، فرایندهای گسترش^{۱۴} و قطع^{۱۵} هستند. به اعتقاد هایمن (۲۰۱۳: ۳۶۴) همگونی را می‌توان نوعی از فرایند گسترش دانست. همچنین، طبق توسط گلداسمیت (۱۹۹۰: ۵) مطرح می‌کند، گسترش فرایندی است که طی آن یک مشخصه واجی از واجی به واج دیگر منتقل می‌شود. قطع

¹ N. Chomsky

² M. Halle

³ Sound Pattern of English (SPE)

⁴ Deep structure

⁵ Surface structure

⁶ Representation

⁷ J. A. Goldsmith

⁸ Phonological Representation

⁹ Network

¹⁰ L. Hagberg

¹¹ M. Van Oostendrop

¹² D. Oden

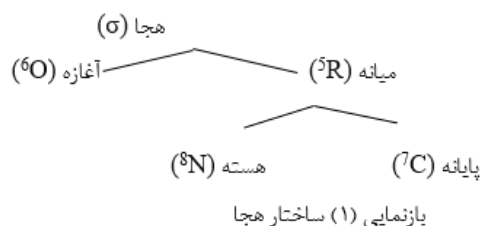
¹³ L. M. Hyman

¹⁴ Spreading

¹⁵ Delinking

نیز فرایندی است که طی آن خطوط پیوندی قطع می‌شوند و فرایند واجی حذف صورت می‌گیرد. در واقع، در فرایند قطع، خط پیوندی یک مشخصه واجی از لایه بالاتر قطع می‌شود (هایمن، ۲۰۱۳).

همچنین، در ارتباط با خطوط پیوندی، دوران^۱ (۱۹۹۰) اصولی کلی را بیان می‌کند که عبارتند از: **الف) اصل انطباق**: بر طبق این اصل، از چپ به راست واکه‌ها و نواخت‌ها به صورت یک به یک به هم متصل می‌شوند تا جایی که واکه‌ها و نواخت‌ها به پایان برسند. **ب) اصل فشردگی**: پس از اعمال اصل انطباق، اگر هنوز نواختی به صورت آزاد باقی مانده باشد، آن نواخت به آخرین واکه سمت راست متصل می‌شود. **ج) اصل گسترش**: پس از اعمال اصل انطباق، اگر هنوز واکه ای آزاد باشد، آن واکه به آخرین نواخت سمت راست متصل می‌شود. **د) اصل خطوط پیوندی**: خطوط پیوندی نباید یکدیگر را قطع نمایند (به نقل از کرد رعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۶۵). همچنین، در نظریه واج‌شناسی زایشی، اولین بار ساختار کلی هجا توسط کهن^۴ (۱۹۷۶) به صورت بازنمایی (۱) مطرح شد که اساس کار تحلیل‌های واجی بعدی نیز قرار گرفت. در پژوهش حاضر نیز از این ساختار برای تحلیل‌های غیرخطی و لایه‌ای داده‌های گویش سیستانی استفاده می‌شود.



در رویکرد واج‌شناسی خودواحد و در برخی موارد، نشان دادن لایه هجا^۵ را جهت تمایز میان هجای سبک و سنگین ضروری می‌دانند. از سوی دیگر، وجود لایه اسکلتی^۶ نیز ضروری است. زیرا واحدهای زمان‌مند در لایه اسکلتی بازنمایی می‌شوند. این لایه در حقیقت کمیت واج را نشان می‌دهد. در لایه واج نیز واج مورد نظر بیان می‌شود (گلداسمیت، ۱۹۷۶). در بازنمایی (۲) لایه‌های واژه [ti:n] «تین» در زبان عربی نشان داده شده است (اودن، ۲۰۱۳: ۳۱۸):

^۱ J. Durand

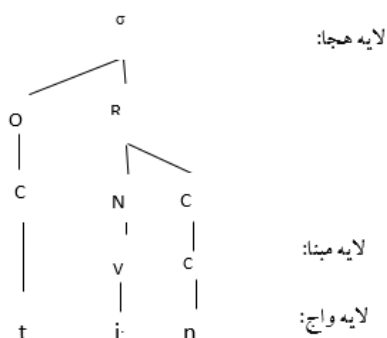
^۲ Mapping

^۳ Dumping

^۴ D. Kahn

^۵ Syllabic tier

^۶ Skelet tier



بازنمایی (۲) لایه‌های واژه [ti:n]

با توجه به آن‌چه در بخش چارچوب نظری گفته شد، در این پژوهش برای تحلیل فرایندهای واجی تضعیف در گویش سیستانی با استناد به اصول گسترش و قطع، از رویکرد واج‌شناسی خودواحد استفاده می‌شود.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این راستا، برای جمع‌آوری داده‌ها، هم از روش کتابخانه‌ای و هم از روش میدانی استفاده شده است. بدین صورت که مبانی نظری و بررسی‌های انجام‌شده در زبان‌ها و گویش‌های دیگر از روش کتابخانه‌ای به دست آمد. داده‌های مربوط به گویش سیستانی، هم به صورت کتابخانه‌ای براساس آثار مکتوب و هم از پیکره شفاهی تهیه‌شده توسط نگارندگان جمع‌آوری شد. در روش میدانی، داده‌ها با ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با ۲۰ گویشور سیستانی مسن بالای ۵۰ سال گردآوری شد و یک پیکره شفاهی دربردارنده ۲۰۰ جمله از گویش سیستانی به دست آمد. سپس، فرایندهای واجی تضعیف در پیکره موجود شناسایی و استخراج شدند. در نهایت، این فرایندها براساس نظریه واج‌شناسی خودواحد توصیف و تحلیل و به صورت غیرخطی نمایش داده شد.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا به توصیف و چگونگی اعمال فرایند تضعیف از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد در گویش سیستانی پرداخته می‌شود، سپس انواع فرایندهای واجی که منجر به تضعیف در این گویش می‌شوند و عملکرد آن‌ها براساس واج‌شناسی خودواحد بازنمایی می‌شود. فرایندهای تضعیف در گویش سیستانی براساس واج‌شناسی خودواحد تحت تأثیر دو فرایند گسترش و قطع خطوط پیوندی هستند که هر کدام از فرایندهای واجی مربوط به این دو فرایند بررسی و تحلیل می‌شود. لازم به ذکر است که در پیوست (۱) نام کامل مشخصه‌های آوایی همراه با نشانه‌های اختصاری آن‌ها آمده است.

۴-۱. توصیف و تحلیل داده‌ها براساس فرایند گسترش

در این بخش تعدادی از فرایندهای تضعیف در گویش سیستانی به صورت زیر بخش‌هایی بررسی می‌شوند که تحت تأثیر فرایند گسترش قرار می‌گیرند و با بسامد بالاتری در گویش سیستانی رخ می‌دهند.

۴-۱-۱. کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی و ملازی‌شدگی واج خیشومی /n/

در فرایند کامی‌شدگی^۱، نرم‌کامی‌شدگی^۲ و ملازی‌شدگی^۳ همخوان خیشومی لثوی، این همخوان در جایگاه پیش از همخوان کامی، نرم‌کامی یا ملازی تضعیف می‌شود و کامی، نرم‌کامی یا ملازی می‌شود. به این صورت که مشخصه کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی یا ملازی همخوان مجاور همخوان خیشومی به همخوان خیشومی لثوی گسترش می‌یابد و تحت تأثیر این فرایند ویژگی لثوی خود را از دست می‌دهد. نمونه‌هایی از این فرایند را می‌توان در جدول (۳) مشاهده کرد.

¹ Palatalization

² Velarization

³ Uvularization

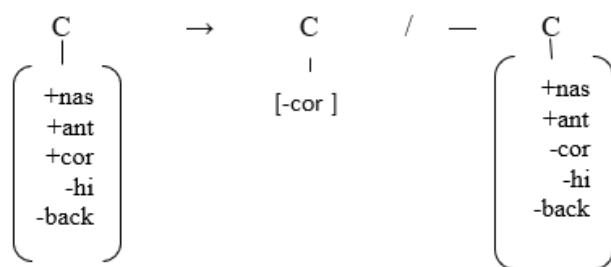
جدول (۳)

کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی و ملازی‌شدگی خیشومی /n/

واج‌نوشتۀ سیستانی ^۱ / آوانوشتۀ سیستانی ^۲	معادل فارسی	معادل فارسی	واج‌نوشتۀ سیستانی ^۲ / آوانوشتۀ سیستانی ^۱	معادل فارسی
nyard-ak	نیارد	a:nyo:za	a:nyo:za	آنقوزه
nya:tak	نام رودخانه	a:ngur	a:ngur	انگور
donya	دنیا	ngar	ngar	انگار
in-ya:r ^۳	این قدر	nga	nga	نگاه

براساس داده‌های جدول (۳)، واج خیشومی لثوی /n/ پیش از واج کامی /y/، نرم‌کامی /g/ یا ملازی /ʃ/ قرار می‌گیرد، با واج پس از خود همگون می‌شود و به ترتیب به صورت‌های [n]، [ŋ] و [N] بازنمایی آوایی می‌یابد. در این فرایند همخوان خیشومی ویژگی لثوی خود را از دست می‌دهد و به همخوان کامی، نرم‌کامی یا ملازی‌شده تبدیل می‌شود. در دیدگاه واج‌شناسی زایشی نیز همخوان خیشومی مشخصه تیغه‌ای [+COR] را از دست می‌دهد و با مشخصه [-COR] بازنمایی می‌شود. قاعده این فرایند در واج‌شناسی خودواحد به شکل قاعده (۱) نمایش داده می‌شود.

قاعده (۱):

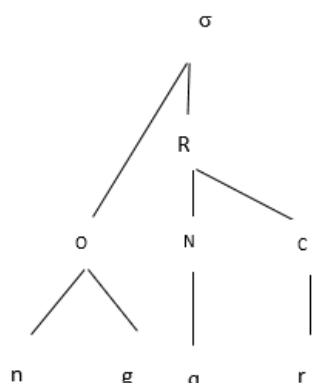


^۱ لازم به ذکر است که مقاله حاضر با توجه به شواهد درون پیکره‌ای در گویش سیستانی به بررسی فرایند تضعیف پرداخته است. ستون «واج‌نوشتۀ سیستانی» زیرساخت واژه مورد نظر را در گویش سیستانی نشان می‌دهد و ستون «معادل فارسی» تنها جهت بیان معنی واژه سیستانی موردنظر در زبان فارسی مطرح شده است.

^۲ در برخی از آوانوشته‌ها بیش از یک فرایند واجی رخ داده است که در هر بخش، تنها به مورد مربوط به همان بخش پرداخته شده است.

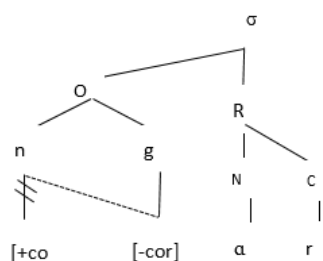
^۳ این واژه در گویش سیستانی به صورت گونه آزاد [iz-ya:r] نیز تلفظ می‌شود.

مطابق قاعده (۱) می‌توان صورت اشتقاقی واژه /ngar/ و تبدیل آن را به [ŋgar] «انگار» را از زیرساخت تا روساخت براساس واج‌شناسی خودواحد به صورت بازنمایی (۳-۵) نمایش داد. الف) بازنمایی زیرساختی واژه /ngar/ «انگار» در گویش سیستانی



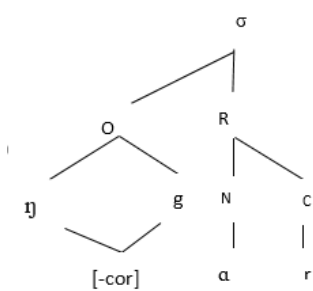
بازنمایی (۳) زیرساخت واژه /ngar/ «انگار» در گویش سیستانی

ب) پیوند بین همخوان خیشومی با مشخصه کامی، نرم کامی و ملازی همخوان بعدی مشخصه [+کامی/+نرم کامی/+ملازی] به صورت خودواحد عمل می‌کند و از واج مجاور همخوان خیشومی به همخوان خیشومی بعد از خود گسترش می‌یابد و مشخصه [+COR] تیغه‌ای از همخوان خیشومی قطع می‌شود. در نتیجه، فرایند تضعیف مطابق بازنمایی (۴) صورت می‌گیرد.



بازنمایی (۴) گسترش خطوط پیوندی واژه /ngar/ «انگار» در گویش سیستانی

پ) بازنمایی روساختی واژه [ŋgar] «انگار» در گویش سیستانی



بازنمایی (۵) صورت روساختی واژه [ŋgar] «انگار» در گویش سیستانی

۲-۱-۴. همگون‌سازی جایگاه تولید واج‌های /n/ و /b/

فرایند همگون‌سازی جایگاه تولید واج در گویش سیستانی در دو مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله اول، جایگاه تولید واج /n/ تحت تأثیر واج دولبی پس از خود تغییر می‌یابد. در نتیجه، این واج به همخوان خیشومی دولبی [m] تبدیل می‌شود و در مرحله دوم، جایگاه تولید واج /b/ تحت تأثیر واج خیشومی پیش از خود تغییر می‌کند و به همخوان خیشومی [m] تبدیل می‌شود. نمونه‌هایی از اعمال فرایند همگون‌سازی جایگاه تولید در گفتار گویشوران سیستانی در جدول (۴) نشان داده می‌شود.

جدول (۴)

همگون‌سازی جایگاه تولید واج‌های /n/ و /b/

معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی
گنبد	gomma:z	gonba:z	پنبه	pemma	penba
تنبل	temma:l	tenba:l	شنبه	šamme	šanbe
شکنبه	škemma	škenba	دنبه	demma	denba

واج خیشومی لثوی /n/، در داده‌های جدول (۴) دارای مشخصه تیغه‌ای [+COR]، تحت تأثیر همخوان دولبی پس از خود به خیشومی دولبی با مشخصه [-COR] تبدیل می‌شود. در مرحله دوم واج /b/ پس از واج خیشومی /m/ به لحاظ جایگاه تولید با واج /m/ پیش از خود همگون و به [m] تبدیل می‌شود. قاعده این فرایندها در واج‌شناسی خودواحد به شکل قاعده (۲) نمایش داده می‌شود:

قاعده (۲ الف):

$$\begin{array}{ccc} \begin{array}{c} /C/ \\ | \\ [+nasal, +cor] \end{array} & \rightarrow & \begin{array}{c} /C/ \\ | \\ [+nasal, -cor] \end{array} \quad / \quad \begin{array}{c} - \quad C \\ | \\ [+nasal, -cor] \end{array} \end{array}$$

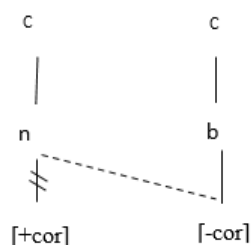
قاعده (۲ ب)

$$\begin{array}{ccc} \begin{array}{c} /C/ \\ | \\ [-nasal] \end{array} & \rightarrow & \begin{array}{c} /C/ \\ | \\ [+nasal] \end{array} \quad / \quad \begin{array}{c} /C/ \\ | \\ [+nasal] \end{array} \quad - \end{array}$$

اشتقاق غیرخطی عملکرد دو فرایند (۲ الف) و (۲ ب) را می‌توان به صورت بازنمایی (۶)

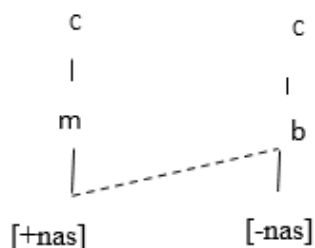
نشان داد.

الف) فرایند [+دولبی شدگی] همخوان خیشومی لثوی



بازنمایی (۶) اعمال فرایند دولبی شدگی

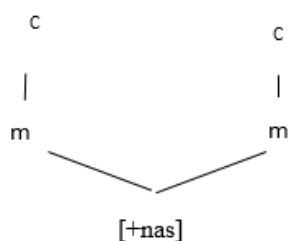
ب) فرایند خیشومی‌شدگی^۱ همخوان دولبی



بازنمایی (۷) اعمال فرایند خیشومی‌شدگی

صورت اشتقاقی نهایی دو فرایند واجی دولبی‌شدگی و خیشومی‌شدگی به صورت بازنمایی (۸) است.

پ) بازنمایی روساختی فرایند خیشومی‌شدگی همخوان دولبی



بازنمایی (۸) صورت روساختی خیشومی‌شدگی همخوان دولبی

در زبان فارسی معیار، فرایند واجی دوم یعنی خیشومی‌شدگی اعمال نمی‌شود و بازنمایی آوایی به صورت [šambe] تلفظ می‌شود. در حالی که در گویش سیستانی، پس از اعمال فرایند خیشومی‌شدگی همخوان دولبی، واژه به صورت [šamma] بازنمایی می‌شود. در واقع همگونی در جایگاه تولید منجر به ساده‌سازی و تضعیف در زبان می‌شود.

^۱ Nasalization

۴-۱-۳. اعمال فرایند گسترش بر همخوان انسدادی /b/

در فرایند سایشی‌شدگی^۱ همخوان‌های انسدادی، واج انسدادی /b/ در جایگاه پیش از واکه یا میان دو واکه تضعیف و سایشی می‌شود. به این صورت که ویژگی پیوسته [+cont] واکه به همخوان انسدادی گسترش می‌یابد و باعث ایجاد همخوان سایشی می‌شود. نمونه‌هایی از این فرایند را می‌توان در جدول (۵) مشاهده کرد:

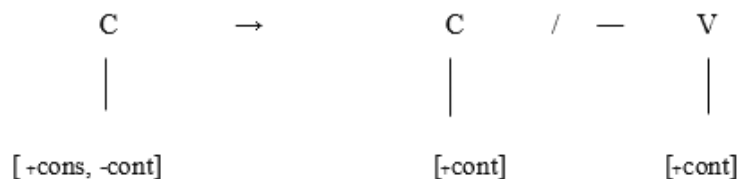
جدول (۵)

سایشی‌شدگی واج انسدادی /b/

معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی
مبارک	movara:k	mobara:k	خبر	xva:r	xba:r
برابر	brava:r	braba:r	سبد	sva:d	sba:d
تابه	tava	taba	لباس	levas	lebas
تبر	tva:r	tba:r	برای خودم	var-xa	bar-xa

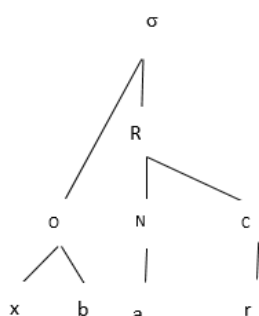
در داده‌های جدول (۵)، واج انسدادی /b/ که پیش از واکه قرار گرفته است، با واج پس از خود همگون می‌شود و به صورت همخوان پیوسته [v] نمود آوایی می‌یابد. قاعده فرایند گسترش بر همخوان انسدادی در واج‌شناسی خودواحد به شکل قاعده (۳) نمایش داده می‌شود.

قاعده (۳)



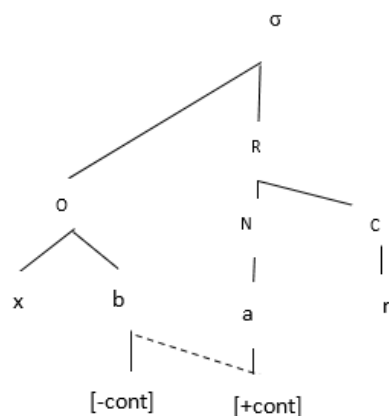
^۱ Spirantization

مطابق قاعده (۳) می‌توان صورت اشتقاقی واژه /xba:r/ و تبدیل آن به [xva:r] «خبر» را از زیرساخت تا روساخت به صورت بازنمایی‌های (۹) تا (۱۱) نمایش داد.
الف) بازنمایی زیرساختی واژه /xba:r/ «خبر» در گویش سیستانی



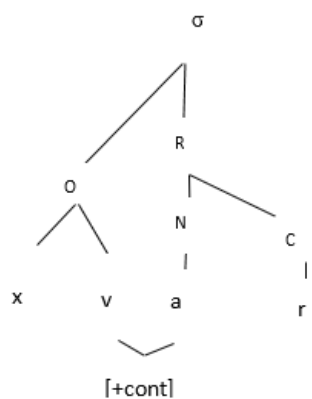
بازنمایی (۹) زیرساخت واژه /xba:r/ «خبر» در گویش سیستانی
پس از اعمال فرایند گسترش به صورت قاعده (۳) بر بازنمایی زیرساختی واژه /xba:r/، پیوند بین ویژگی پیوسته واکه و همخوان انسدادی ایجاد می‌شود و ۲ واج دارای مشخصه [+cont] می‌شوند.

ب) پیوند واکه با همخوان انسدادی
مشخصه [+پیوسته] به صورت خودواحد عمل می‌کند، از واکه مجاور همخوان انسدادی به همخوان انسدادی قبل از خود گسترش می‌یابد و مشخصه [+انسدادی] از همخوان قطع می‌شود.



بازنمایی (۱۰) گسترش مشخصه [+پیوسته] به همخوان پیش از خود

پ) بازنمایی روساختی واژه [xvɑ:r] «خبر» در گویش سیستانی



بازنمایی (۱۱) صورت روساختی واژه [xvɑ:r] «خبر» در گویش سیستانی

مراحل بازنمایی فرایند گسترش در واژه /xvɑ:r/ و تبدیل آن به [xvɑ:r]، سایشی‌شدگی همخوان انسدادی را در نتیجه مجاورت همخوان انسدادی با واکه نشان می‌دهد. بنابراین، اعمال مراحل فرایند گسترش منجر به ایجاد فرایند تضعیف در همخوان انسدادی می‌شود.

۴-۱-۴. خیشومی‌شدگی واکه

در گویش سیستانی هنگامی که واکه‌ای بلافاصله پیش از خیشومی /n/ و /m/ قرار بگیرد، آن واکه خیشومی می‌شود. نمونه‌هایی از این فرایند را می‌توان در جدول (۶) مشاهده کرد.

جدول (۶)

خیشومی‌شدگی واکه

معادل فارسی	واج‌نوشته سیستانی	واج‌نوشته سیستانی	معادل فارسی	واج‌نوشته سیستانی	معادل فارسی	واج‌نوشته سیستانی
صحن، نوعی پارچه	sā:n	sa:n	خانه	xō:na		xo:na
حمام	ã:mō:m	a:mō:m	معنا	mā:na		ma:na
سهم	sā:m	sa:m	برنداری	vā:-ndar-i		va:r-ndar-i
خون است	xū:n-a	xu:n-a	دندان	dēndo:		dendo:

در داده‌های جدول (۶) واکه‌ای که پیش از خیشومی /n/ و /m/ قرار گرفته است، با همخوان پس از خود همگون می‌شود و به صورت واکه خیشومی‌شده [+nas] نمود آوایی می‌یابد. قاعده خیشومی‌شدگی واکه در واج‌شناسی خودواحد به صورت قاعده (۴) نمایش داده می‌شود.

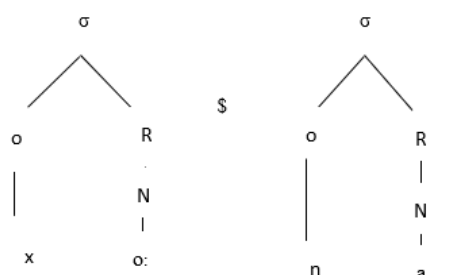
قاعده (۴)

$$\begin{array}{ccc}
 V & \rightarrow & V \quad / \quad - \quad C \\
 | & & | \\
 [+nas] & & [+nas]
 \end{array}$$

مطابق قاعده (۴) می‌توان صورت اشتقاقی واژه /xo:na/ و تبدیل آن به [xō:na] «خانه»

را از زیرساخت تا روساخت در بازنمایی‌های (۱۲) تا (۱۴) نمایش داد:

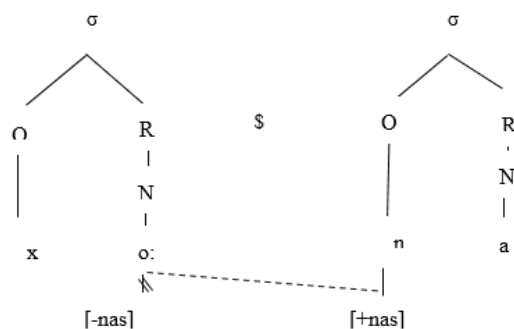
الف) بازنمایی زیرساختی واژه /xo:na/ «خانه» در گویش سیستانی



بازنمایی (۱۲) زیرساخت واژه /xo:na/ «خانه» در گویش سیستانی

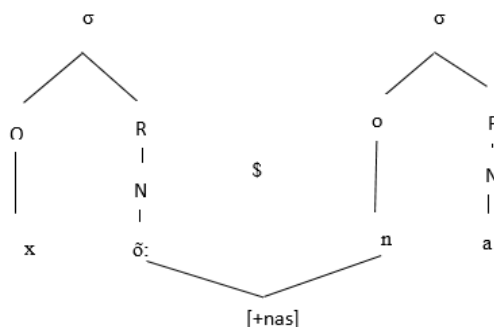
در نتیجه قرارگرفتن واج خیشومی در مجاورت واکه، مشخصه خیشومی واج /n/ گسترش می‌یابد و با واکه پیش از خود در هجای ماقبل خط پیوندی ایجاد می‌کند.

ب) پیوند مشخصه خیشومی با واکه پیشین



بازنمایی (۱۳) پیوند مشخصه خیشومی با واکه پیشین

پ) بازنمایی روساختی واژه [xõ:na] «خانه» در گویش سیستانی



بازنمایی (۱۴) صورت روساختی واژه [xõ:na] «خانه» در گویش سیستانی

۲-۴. توصیف و تحلیل داده‌ها براساس فرایند قطع

فرایند قطع از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد، منجر به قطع یکی از مشخصه‌های واجی در یک واج می‌شود. گاهی واج، مانند آنچه در فرایند گسترش مشاهده شد، برای جبران آن مشخصه، به مشخصه‌ای در اطراف خود پیوند می‌خورد و گاهی پیوندی به مشخصه‌های اطراف آن صورت نمی‌گیرد که در این حالت واج به طور کامل حذف می‌شود و فرایند قطع رخ می‌دهد. در ادامه نمونه‌هایی از رخداد فرایند قطع در گویش سیستانی ارائه می‌شوند.

۱-۲-۴. قطع واج چاکنایی آغازین /ʔ/ و /h/ در واژه‌های قرضی

فرایند قطع همخوان آغازین در گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی به ندرت دیده می‌شود. در حالی که حذف واج چاکنایی /h/ و /ʔ/ در گویش سیستانی بسیار رایج است، شاید بتوان دلیل آن را واج‌آرایی متفاوت این گویش دانست. بدین صورت که، واژه در گویش سیستانی می‌تواند با واکه آغاز شود. اکاتی، آهنگر و جهانی (۲۰۰۹) پس از آزمایش بر روی آواهای این گویش نشان دادند که واج‌های /ʔ/ و /h/ در آغاز واژه در گویش سیستانی به استثنای واژه‌های قرضی فارسی

رخ نمی‌دهند^۱. طبق نظام واجی گویش سیستانی، واج‌های /h/ و /ʔ/ آغازین، مانند آنچه در جدول (۷) آمده است، از ابتدای واژه حذف می‌شوند.

جدول (۷)

حذف واج‌های /h/ و /ʔ/ در آغاز واژه قرضی

واج‌نوشته ^۲ فارسی	آوانوشته ^۳ سیستانی	معادل فارسی	واج‌نوشته ^۳ فارسی	آوانوشته ^۳ سیستانی	معادل فارسی
halal	alal ^۳	حلال	helal	elal	هلال
halva	a:lva	حلوا	hamin towr	amtow	همین‌طور
hamed	amed	حامد	hadi	adi	هادی
?ali	a:li	علی	?alavi	alavi	علوی
?asa	a:sow	عصا	?anar	a:nar	انار

در داده‌های جدول (۷)، واج‌های /h/ و /ʔ/ که از زبان‌های دیگر وارد گویش سیستانی شده‌اند، از آغاز واژه حذف و واژه‌ها با واکه آغاز می‌شوند. قاعده^۴ قطع واج چاکنایی در واج‌شناسی خودواحد به شکل قاعده (۵) نمایش داده می‌شود:

قاعده^۵ (۵)

$$C \rightarrow \emptyset \quad / \quad \# \quad -$$

$$\left(\begin{array}{l} +\text{cons} \\ +\text{lo} \\ -\text{voi} \\ +\text{tens} \end{array} \right)$$

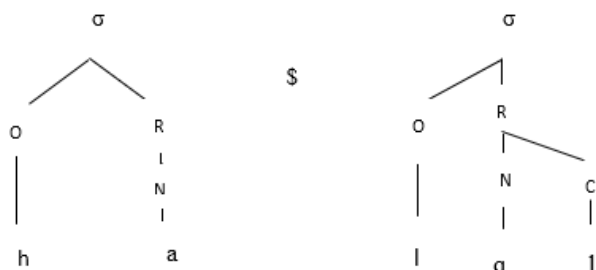
^۱ لازم به ذکر است که فرایند حذف واج‌های /h/ و /ʔ/ در کلیه جایگاه‌های ذکر شده در گویش سیستانی، در میان جوانان بسیار کاهش یافته است. گویش سیستانی در ارتباط با فرایند حذف به خصوص حذف همخوان‌های چاکنایی به شدت تحت تأثیر زبان فارسی معیار است.

^۲ به دلیل اینکه واژه‌های این جدول قرضی هستند، زیرساخت واژه‌های مربوط به زبان فارسی (که به نوبه خود از زبان عربی قرض گرفته شده‌اند) در نظر گرفته شده‌اند.

^۳ در بعضی موارد، افراد پس از حذف واج /h/، واج /ʔ/ به ابتدای واژه اضافه می‌کنند که این امر الگوی خاصی ندارد. برای مثال واژه «حلال» را گاهی به صورت [alal] و گاهی [ʔalal] تلفظ می‌کنند.

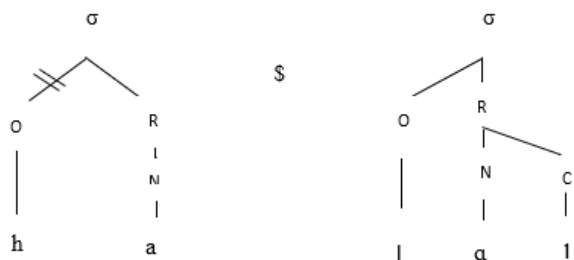
مطابق قاعده (۵) می‌توان صورت اشتقاقی واژه /halal/ و تبدیل آن به [alal] «حلال» را از زیرساخت تا روساخت در بازنمایی‌های (۱۵) تا (۱۷) نمایش داد:

الف) بازنمایی زیرساختی واژه /halal/ «حلال» فارسی در گویش سیستانی



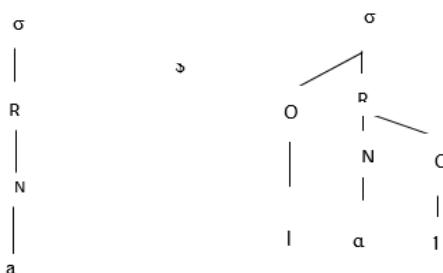
بازنمایی (۱۵) زیرساخت واژه /halal/ «حلال» فارسی در گویش سیستانی

ب) قطع خط پیوندی آغازین



بازنمایی (۱۶) قطع خطوط پیوندی همخوان آغازین

پ) بازنمایی روساختی واژه [alal] «حلال» در گویش سیستانی



بازنمایی (۱۷) صورت روساختی واژه [alal] «حلال» در گویش سیستانی

۴-۲-۲. قطع واج پایانی /n/

در گویش سیستانی فرایند حذف واج /n/ مانند جدول (۸)، از پایان واژه بسیار رایج است.

جدول (۸)

حذف /n/ در پایان واژه

معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی
میدان، بهاء، ارزش	me:do	me:don	ران	ro:	ro:n
آن	o	on	نان	no:	no:n
قلیان	ɣaliyo:	ɣalyo:n	جان	ʃo:	ʃo:n
نمکدان	nmakdo:	nmakdo:n	آسمان	asmo:	asmo:n
باران	baro	baron	گران، سنگین	gro:	gro:n

در گویش سیستانی، اگر واژه به تنهایی به کار برود، واج /n/ از پایان آن حذف می‌شود. اما با اضافه شدن عناصری هم‌چون نشانه جمع، نشانه مفعولی و حرف ربط «و»، همخوان حذف شده بازنمایی آوایی می‌یابد. مانند:

مثال (۱) ← /no:n/ + /a:/ «نان‌ها»، ← /ro:n/ + /a/ «ران‌ها» [ro:n+a] «ران را» و ← /xardan-o ʃasta:/ «خوردن و رفتن» [xardan-o ʃasta:]
 قاعده (۶) حذف واج /n/ از پایان واژه

$$\begin{array}{c} C \\ | \\ [+nas, +cor] \end{array} \rightarrow \emptyset / _ \#$$

۳-۲-۴. قطع واج پایانی /d/ و /t/

واج‌های /d/ و /t/ در خوشه همخوانی پایانی [st] و [zd] و همچنین در برخی موارد، در پایان واژه حذف می‌شوند. مانند:

جدول (۹)

حذف واج /t/ و /d/ در پایان واژه

معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشتۀ سیستانی
کلید	kli:	kli:d	دست	da:s	da:st
شد	pša/bša	bšad	ماست	mas	mast
زد	b-za	b-zad	راست	ras	rast

قاعده (۹) حذف واج‌های /t/ و /d/ از پایان واژه

$$\begin{array}{c} C \\ | \\ \left(\begin{array}{l} +cons \\ +ant \\ -son \\ -str \end{array} \right) \end{array} \rightarrow \emptyset / _ \#$$

۴-۲-۴. قطع واج چاکنایی پایانی /ʔ/ و /h/ در واژه‌های قرضی

در گویش سیستانی علاوه بر واج‌های /t/، /d/، /n/ و /h/ واج‌های چاکنایی /ʔ/ و /h/ نیز که در واژه‌های قرضی مشاهده شد، از پایان واژه حذف می‌شوند. این فرایند در تمام واژه‌های دارای واج پایانی /ʔ/ و /h/ در این گویش اعمال می‌شود.

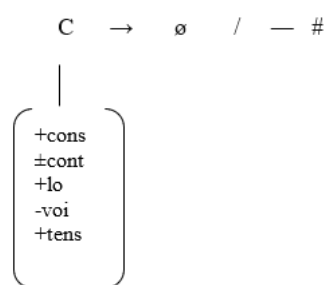
جدول (۱۰)

حذف /ʔ/ و /h/ از پایان واژه قرضی

معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشته فارسی	معادل فارسی	آوانوشتۀ سیستانی	واج‌نوشته ^۱ فارسی
موضوع	mu:zu	mo:zuʔ	روباه	ro:ba	ru:bah
جمع	ʃa:m	ʃamʔ	کاه	ka:	kah
اطلاع	e:tela	ettelaʔ	ماه	ma	mah
شمع	ša:m	šamʔ	راه	ra:	ra:h

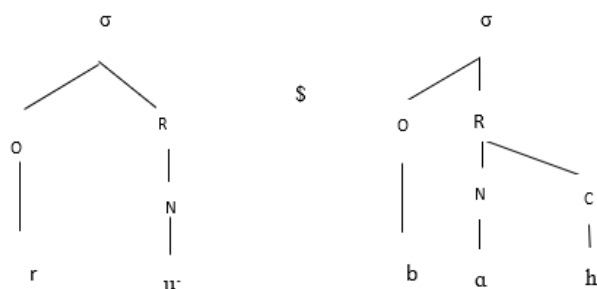
همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده شد، واج چاکنایی /ʔ/ و /h/ در پایان همه واژه‌های قرضی تحت تأثیر این فرایند واجی قرار می‌گیرد. قاعده غیرخطی قطع واج چاکنایی پایانی به‌صورت قاعده (۸) رخ می‌دهد.

قاعده (۸) حذف همخوان چاکنایی از پایان واژه



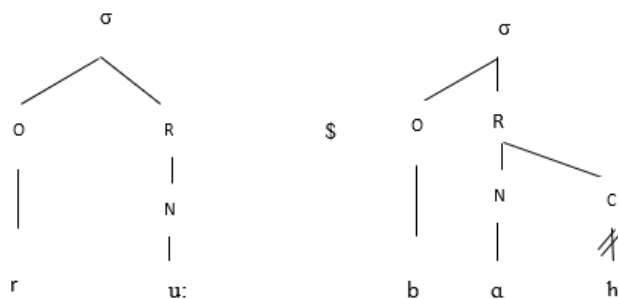
^۱ به دلیل این‌که واژه‌های این جدول قرضی هستند، زیرساخت واژه‌های مربوط به زبان فارسی در نظر گرفته شده است.

به دلیل شباهت غیرخطی حذف همخوان از پایان واژه، در این بخش به تحلیل یک مورد از انواع حذف همخوان پایانی پرداخته می‌شود. صورت اشتقاقی واژه^۱ /ru:bah/ فارسی و تبدیل آن به [ro:ba] «روباه» از زیرساخت تا روساخت در بازنمایی‌های (۱۸) (۲۰) بیان شده است. الف بازنمایی زیرساختی واژه /ru:bah/ «روباه» فارسی در گویش سیستانی



بازنمایی (۱۸) زیرساخت واژه /ru:bah/ «روباه» فارسی در گویش سیستانی

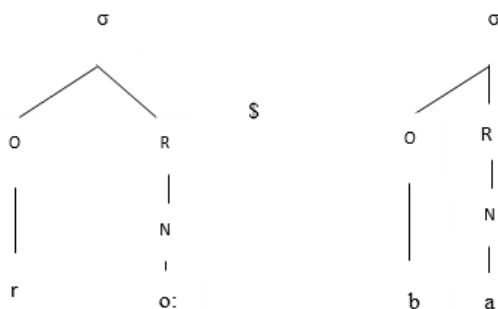
(ب) قطع خط پیوندی از پایان واژه



بازنمایی (۱۹) قطع خط پیوندی از پایان واژه /ru:bah/ «روباه» فارسی در گویش سیستانی

^۱ در گویش سیستانی علاوه بر حذف همخوان چاکنایی از پایان واژه، واج /u:/ نیز به /o:/ تبدیل می‌شود.

پ) بازنمایی روساختی واژه [ro:ba] «روباه» در گویش سیستانی



بازنمایی (۲۰): صورت روساختی واژه [ro:ba] «روباه» در گویش سیستانی

همان‌طور که در اشتقاق واژه /ru:bah/ «روباه» و تبدیل آن به [ro:ba] مشاهده شد، با قطع خط پیوندی از پایان واژه، همخوان پایانی در گویش سیستانی حذف می‌شود.

۴-۲-۵. قطع واج چاکنایی میانی /ʔ/ و /h/ در واژه‌های قرضی و کشش جبرانی

کشش جبرانی به عنوان کشش یک واحد واجی تعریف می‌شود که حاصل حذف یا کوتاه‌شدگی واحد واجی مجاور است. در گویش سیستانی، واج چاکنایی میانی /h/ و /ʔ/ حذف می‌شود و واکه پیش از آن تحت تأثیر فرایند کشش جبرانی قرار می‌گیرد که با علامت (: نشان داده می‌شود. در جدول (۱۱) چند نمونه از حذف همخوان چاکنایی میانی و کشش جبرانی واکه پیشین آن ذکر می‌شود.

جدول (۱۱)

حذف چاکنایی میانی /h/ و /ʔ/ در واژه قرضی

واج‌نوشته ^۱ فارسی	آوانوشته ^۱ سیستانی	معادل فارسی	واج‌نوشته فارسی	آوانوشته ^۱ سیستانی	معادل فارسی
baʔd	ba:d	بعد	nahr	na:r	نهر
šaʔn	ša:n	شأن	mahd	ma:d	مهد
naʔl	na:l	نعل	čahar	čar	چهار
šoʔle	šo:la	شعله	sehr	se:r	سحر
šeʔr	še:r	شعر	šahr	ša:r	شهر

همان‌طور که در جدول (۱۱) مشاهده شد، واج چاکنایی /ʔ/ و /h/ در جایگاه میانی واژه حذف می‌شود و واکه^۱ پیش از آن به‌صورت واکه^۲ کشیده بازنمایی آوایی پیدا می‌کند. به این صورت که دو جایگاه زمان‌مند^۲ به واکه تعلق می‌گیرد. قاعده (۹) حذف همخوان چاکنایی از میان واژه

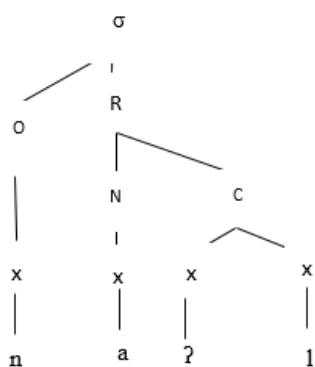
$$C_1 \rightarrow \emptyset / V - C$$

$$\left(\begin{array}{l} +\text{cons} \\ \pm\text{cont} \\ +\text{lo} \\ -\text{voi} \\ +\text{tens} \end{array} \right)$$

اشتقاق غیرخطی واژه «نعل» را می‌توان به صورت بازنمایی‌های (۲۱) تا (۲۳) نمایش داد.^۳

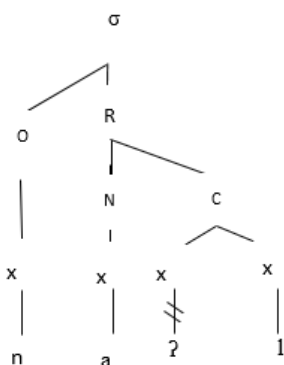
^۱ به دلیل این‌که واژه‌های این جدول قرضی هستند، زیرساخت واژه‌های مربوط به زبان فارسی در نظر گرفته شد.
^۲ Timing
^۳ به دلیل لزوم نشان دادن جایگاه زمان‌مند واکه^۲ کشیده از X برای هر جایگاه زمان‌مند استفاده شده است.

الف) بازنمایی زیرساختی واژه /naʔl/ «نعل» فارسی در گویش سیستانی



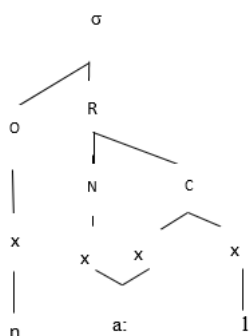
بازنمایی (۲۱) زیرساخت واژه /naʔl/ «نعل» فارسی در گویش سیستانی

ب) قطع همخوان چاکنایی از میان واژه



بازنمایی (۲۲) قطع خط پیوندی همخوان چاکنایی

پ) بازنمایی روساختی واژه [na:l] «نعل» در گویش سیستانی



بازنمایی (۲۳) صورت روساختی واژه [na:l] «نعل» در گویش سیستانی

در گویش سیستانی هنگام حذف واج /h/ و /ʔ/ واکهٔ پیش از همخوان حذف می‌شود، دو جایگاه زمان‌مند را پر می‌کند و کشش واکه‌ای رخ می‌دهد.

۴-۲-۶. قطع مشخصهٔ واجی از واج پایانی واژه

در برخی از موارد تنها یک مشخصهٔ واجی از واج پایانی واژه قطع می‌شود. این فرایند در گویش سیستانی در ارتباط با مشخصهٔ واکداری پایان واژه رخ می‌دهد که آن را فرایند واکرفتگی^۱ می‌گویند. هنگامی که در آواها، حالت طبیعی ارتعاش تارآواها کاهش یابد، فرایند واکرفتگی رخ می‌دهد. جدول (۱۲) نمونه‌هایی از واکرفتگی را در این گویش نشان می‌دهد.

جدول (۱۲)

حذف مشخصهٔ واکداری در انتهای واژه

معادل فارسی	واج‌نوشتهٔ سیستانی	واج‌نوشتهٔ سیستانی	معادل فارسی	واج‌نوشتهٔ سیستانی	واج‌نوشتهٔ سیستانی
صبر	sabr̥	sabr	کلنگ	koleng̥	koleng
هوشیار	aʃi:ɖ̥	aʃi:d ²	بیل	be:l̥	be:l
چاق	čaɣ̥	čaɣ	ژولیده	buʒ̥	buʒž
آزار و اذیت	abr̥-o zbar̥	abr̥-o zbar	محکم	ma:kam̥	ma:kam

^۱ Devoicing

^۲ این واژه برگرفته از واژه‌نامهٔ سکایی (محمدی خمک، ۱۳۷۹) است و در گفتار امروزی کاربردی ندارد.

با توجه به داده‌های ارائه‌شده در جدول (۱۲)، می‌توان قاعدهٔ واجی واکرفتگی را در گویش سیستانی طبق رویکرد واج‌شناسی خودواحد در قاعدهٔ (۱۰) نشان داد:

قاعدهٔ (۱۰)

C	→	C	/	—	#
[+voi]		[-voi]			

فرایند قطع در مشخصهٔ واجی مشابه فرایند قطع واج‌های چاکنایی صورت می‌گیرد. بنابراین، برای ممانعت از تکرار از بازنمایی خودواحد آن خودداری می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، فرایندهای تضعیف براساس واج‌شناسی خودواحد در قالب فرایند گسترش و قطع خطوط پیوندی در گویش سیستانی توصیف و تحلیل شد. فرایندهای گسترش و قطع خطوط پیوندی منجر به ایجاد کامی‌شدگی، نرم‌کامی‌شدگی و ملازی‌شدگی همخوان خیشومی، همگون‌سازی جایگاه تولید، سایشی‌شدگی واج انسدادی، خیشومی‌شدگی واکه، حذف واج‌های /h/ و /ʔ/ از آغاز واژه، میان واژه و پایان واژه، حذف واج‌های /n/، /t/ و /d/ پایانی و واکرفتگی همخوان پایانی می‌شود. با توجه به بازنمایی خودواحد فرایندهای نام‌برده در بخش توصیف و تحلیل داده‌ها، نتایج حاصل را می‌توان به این صورت بیان کرد:

۱. اعمال فرایند گسترش در گویش سیستانی به صورت فرایندهای کامی، نرم‌کامی یا ملازی‌شدگی همخوان‌های خیشومی، همگون‌سازی جایگاه تولید و همچنین، در همخوان‌های انسدادی به صورت سایشی‌شدگی رخ می‌دهد.
۲. فرایند گسترش در واکه‌ها به صورت خیشومی‌شدگی واکه اعمال می‌شود.
۳. فرایند قطع خطوط پیوندی منجر به رخداد فرایند حذف واج‌های /h/ و /ʔ/ در واژه‌های قرضی گویش سیستانی مانند: /halal/ ← «لال» [alal]، «حلال»، /nahr/ ← [na:r] «نهر» و /kolah/

← [kla] «کلاه» می‌شود. همچنین، داده‌ها نشان داد که فرایند حذف در پایان واژه نیز صورت می‌گیرد. واج‌های /n/، /t/، /d/، /h/ و /ʔ/ از پایان واژه حذف می‌شوند.

۴. در گویش سیستانی، گاهی قطع خط پیوندی واج چاکنایی منجر به اعمال فرایند کشش جبرانی می‌شود. عمدتاً کشش جبرانی زمانی رخ می‌دهد که واکه دو جایگاه زمان‌مند را به خود اختصاص دهد، مانند: /šahr/ ← [ša:r] «شهر» و /šeʔr/ ← [še:r] «شعر».

۵. همچنین در این گویش هنگامی که همخوان واکدار در انتهای واژه قرار گیرد، واک خود را از دست می‌دهد و بی‌واک می‌شود. در واقع، قطع خط پیوندی مشخصه واک رخ می‌دهد. برای مثال، واج واکدار /g/ در پایان واژه /koleng/ «کلنگ» تبدیل به صورت بی‌واک آن [koleng] می‌شود.

منابع

- آرام، یوسف و عاطفه حسینی صفوت. (۱۳۹۵). بررسی پیکره‌بنیاد فرایندهای واجی تضعیف و تقویت. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی در ادوار تاریخی زبان فارسی، ۶ (۱۱). صص. ۱۵۹-۱۷۶.
- آهنگر، عباسعلی. (۱۳۸۲). توصیف دستگاه واجی گویش سیستانی. مجله گویش‌شناسی. ضمیمه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۶ (۱). صص. ۴-۳۲.
- آهنگر، عباسعلی پاکزاد یوسفیان و حسنعلی کدخدا. (۱۳۹۵). توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی-نارویی و میانکنگی. فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۱ (۱). صص. ۲۲-۴۰.
- برجسته دلفروز، بهروز. (۱۳۷۵). دستگاه واجی گویش سیستانی. مجله علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱ (۲). صص. ۱۱۲-۱۳۲.
- پرمون، یداله. (۱۳۸۸). واکه‌کاهی در گویش کرمانی. مجله‌نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی. ویژه‌نامه زبان‌شناسی، ۱ (۱). صص. ۱۲-۲۵.
- خلیفه‌لو، سیدفرید و منصوره دلارامی‌فر. (۱۳۹۴). خوشه دوهمخوانی آغازین در گویش سیستانی از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲ (۸). صص. ۳۹-۶۲.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۷۹). واج‌شناسی خودواحد و کاربرد آن در فرایندهای واجی زبان فارسی. رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (۱۳۸۵). واج‌شناسی. رویکردهای قاعده‌بنیاد. تهران: سمت.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، الهام ثباتی و فردوس آقاگل‌زاده. (۱۳۹۴). فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۵ (۹). صص. ۲۰۶-۲۲۳.

فیروزیان پور اصفهانی، آیدا و طیبه فاتحیان. (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی براساس واج‌شناسی خودواحد. همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، دانشگاه سمنان، گل‌اله هنری، صص. ۱۶۴۷-۱۶۷۸.

محمدی خمک، جواد. (۱۳۷۹). *واژه‌نامه سکایی*. تهران: سروش.
مهدوی، فرشته. (۱۳۸۹). بررسی همگونی واجی در گونه اصفهانی براساس نظریه خودواحد. همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. دانشگاه سمنان، صص. ۱۵۸-۱۷۰.
میکده، اعظم. (۱۳۹۵). فرایندهای واجی واکه‌ای در گویش فریمانی بر پایه واج‌شناسی خودواحد. *زبان‌کاوی*، ۱۹ (۴۰)، صص. ۱۵-۳۷.

Ahangar, A. A. (2010). A study of the verb system in the Sistani dialect of Persian. *Orientalia Suecana*, 11 (6), pp.5-44.

Bearman, P., T. Bianquis, C. Bosworth, V. Donzel, & W. Heinrichs. (2003). *The Encyclopedia of Islam*. pp. 425-448. Iran, iii. Languages. Leiden: Brill.

Chomsky, N. and M. Halle. (1968). *The sound pattern of English*. New York: Harper and Row.

Crystal, D. (2011). *A dictionary of linguistics and phonetics* (Vol. 30). Chicester: John Wiley & Sons.

Durand, J. (1990). *Generative and non-linear phonology*. Harlow: Longman.

Goldsmith, J. A. (1976). An overview of autosegmental phonology. *Linguistics analysis*, Vol. 2, No. 1, pp. 23-68.

Goldsmith, J. A. (1990). *Autosegmental and metrical phonology*. Oxford: Basil Blackwell.

Hegberg, L. (2006). *An autosegmental theory of stress*. SILL e.book series, International.

Hyman, L. M. (2013). How autosegmental is phonology??. *UC Berkeley phonology lab annual report*. Berkeley: University of California.

Kenstowics, M. (1994). *Phonology in generative grammar*. Cambridge, Blackwell publisher.

Kul, M. (2007). *The Principle of least effort with in the hierarchy of linguistic preferences: external evidence from English*. Ph.D.dissertation. Poznan: Adam Mickiewicz University.

Kahn, D. (1976). *Syllable-based generalizations in English phonology*. Ph.D. dissertation. Cambridge: MIT press.

- Lass, R. (1988). *Phonology, an introduction to basic concepts*. Cambridge: Cambridge press.
- Oden, D. (2013). *Introduction phonology*. Cambridge: Cambridge University press.
- Okati, F., A. A. Ahangar & C. Jahani. (2009). The Status of h and ʔ in the Sistani Dialect of Miyankangi. *Iranian journal of applied language study*, 1(1), pp. 80-90.
- Okati, F., A. A. Ahangar, E. Anonby & C. Jahani. (2010). Natural phonological processes in Sistani dialect of Iran. *Iranian Journal of applied language studies*, 2 (1), p. 103.
- Van Oostendorp, M. (2007). *Derived environment effects and consistency of exponence*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Windfuhr, G.(1989). New Iranian language. In *compendium linguarum iranicarum*. Edited by Rüdiger Schmitt. (pp. 246-250). Wiesbaden: Ludwig.

پیوست (۱) جدول نشانه‌های اختصاری مشخصه‌های آوایی

برای نشان دادن مشخصه‌های آوایی از نشانه‌های زیر استفاده شده است:

نشانه‌های اختصاری مشخصه‌های آوایی

اختصارات	معادل انگلیسی	مشخصه آوایی
cons	consonant	همخوان
cont	continuent	پیوسته
nas	nasal	خیشومی
cor	coronal	تیغهای
ant	anterior	جلو دهانی
son	sonorant	رسا
str	strident	تیز
tens	tense	سخت
hi	high	افراشته
low	low	افتاده
voi	voiced	واکدار

The Study of Lenition Processes in Sistani Dialect Based on Autosegmental Phonology

Abbas Ali Ahangar
Mansoureh Delaramifar

Abstract

Goldsmith (1976), in Autosegmental Phonology, has extended the phonological representation from linear to non-linear order in tonic languages. Because of the non-linear specification and the existence of layering construction of this theory, the present study deals with Lenition processes in the Sistani dialect in terms of spreading and delinking principles as proposed in autosegmental phonology. The method of this research is descriptive-analytic. To this end, 20 male, old, low educated and rural Sistani dialect speakers have been selected by random. The data has been gathered by interviewing and recording their free speech. Then the relevant data were extracted from the recorded sentences and transcribed. The phonological rules of the data have been described and analyzed based on the principles of autosegmental phonology. The research results show that the spreading process in the Sistani dialect occurs in the form of processes including palatalization, velarization, and uvularization of nasal consonants, and place of articulation assimilation as well as spirantization of stop consonants. Moreover, the spreading process happens in vowels in the form of nasalization as well. Also, delinking process takes place in deleting initial consonants /h/ and /ʔ/, final consonants /h/, /ʔ/, /n/, /t/ and /d/, middle consonants /h/ and /ʔ/ and deleting voiced feature at the end of words.

Keywords: Autosegmental Phonology, Lenition Processes, Spreading, Delinking, Sistani Dialect